

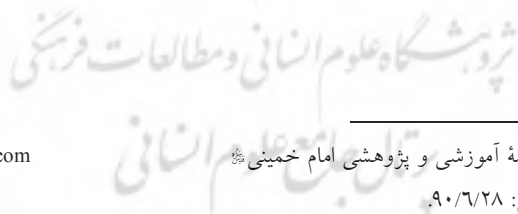
سلاح کشتار جمعی از دیدگاه اسلام

سیدابراهیم حسینی*

چکیده

اسلام دین صلح و امنیت، و پیامبر او برای تمام جهانیان رحمت است. از این رو، تولید و بکارگیری سلاح‌های کشتار جمعی از دیدگاه اسلام، نه تنها توصیه نمی‌شود، ممنوع و حرام شرعی است؛ زیرا از لحاظ ایجاد هراس و وحشت، به‌منابۀ تروریسم هسته‌ای، اقدام خشونت‌بار و مخل امنیت عمومی در سطح بین‌المللی، و از مصادیق منکر است؛ همچنین با اصول تفکیک و منع از کشتار غیررزمندگان و غیرنظامی‌ها و مردم بی‌دفاع، مصونیت پیران، کودکان، زنان، دیوانگان و رعایت قواعد بشردوستانه، اصل محدودیت در شیوۀ جنگ و همچنین با اهداف جهاد اسلامی که متبلور در دفاع و دعوت به توحید و گسترش آزادی‌های دینی و رفع استبداد و مبارزه با سران فتنه می‌باشد، مغایر است. دکترین بازدارندگی نیز مجوزی برای کشتن انسان‌های بی‌گناه و بی‌دفاع نیست، بلکه مقصود از آن، جلوگیری از تهدیدهای ستم‌پیشگان است.

کلید واژه‌ها: سلاح کشتار جمعی، جهاد، اسلام، سلاح هسته‌ای، امنیت، حقوق بشردوستانه اسلامی.



مقدمه

با وجود آثار ویرانگر و وحشتناک به کارگیری سلاح‌های هسته‌ای و شیمیایی، که به انهدام حیات و کشتار جمعی منجر می‌شود، مسابقهٔ تسلیحاتی و افزایش روزافزون تولید این سلاح‌ها از سوی مدعیان حقوق بشر که در صدر اعلامیهٔ جهان حقوق بشر از کرامت انسانی^۱ و حق بنیادین حیات همهٔ آحاد بشریت سخن می‌گویند،^۲ تناقضی است که هر اندیشمند منصفی را دچار حیرت می‌کند. اینکه چه اهدافی آنان را به‌جای خلع سلاح هسته‌ای و بیولوژیکی و غیر آن، به مسابقهٔ تسلیحاتی سوق می‌دهد و آیا دکنترین بازدارندگی در اینجا به ضد خود تبدیل می‌شود و آیا این اقدامات به توازن قدرت منتهی می‌شود یا توازن وحشت، حقایق مهم و مبهمی است که باید در جای خود بررسی شود. هدف از نگارش این مقاله، بیان موضع جمهوری اسلامی ایران دربارهٔ مسئلهٔ تولید و استفاده از سلاح کشتار جمعی، مانند سلاح هسته‌ای یا میکروبی و شیمیایی، بر اساس مبانی دینی است؛ اما به سه دلیل ترجیح داده شد که عنوان مقاله به «سلاح کشتار جمعی از دیدگاه اسلام» تغییر یابد:

الف) از آنجا که نظام جمهوری اسلامی، مبتنی بر اسلام است^۳ و تمام قوانین و مقررات در هر زمینه یا موضوعی که برخلاف اسلام باشد، بی‌اعتبار است،^۴ پس دیدگاه و موضع نظام جمهوری اسلامی ایران همان دیدگاه اسلام است.

ب) تبیین این مسئله که موضع نظام جمهوری اسلامی در این موضوع، یک موضع صرفاً سیاسی و یا وابسته به نگاه خاص رهبری یا دولت خاص و ادعای ظاهری و بدون پشتوانه نیست؛ بلکه یک موضع ناشی از عقیدهٔ دینی است که همین امر، مهم‌ترین ضمانت اجرا را به این موضع سیاسی می‌بخشد.

ج) فراگیر بودن دیدگاه اسلام نسبت به همهٔ کشورهای اسلامی، و اختصاص نداشتن به موضع سیاسی یک کشور؛ دیدگاه جمهوری اسلامی ایران دیدگاهی ممتاز و برجسته است؛ زیرا برگرفته از اندیشهٔ ناب شیعی است که از عقلانیت، اعتدال و قوت منطقی خاصی برخوردار است. دقیقاً به همین دلیل نیز، پروژهٔ ایران‌هراسی، تبلیغات سوء دشمنان است که نباید به آن وقعی نهاد. از سوی دیگر، اسلام دین صلح و رحمت است؛ (بقره: ۲۰۸) اما گاهی برخی از آموزه‌های آن مانند جهاد، خوب فهمیده نشده است و یا عملکرد

نادرست برخی گروه‌های متحجر مانند وهابیون و طالبان یا اشکال دیگر با استفاده ابزاری از دین و آموزه‌های دین، اقداماتی کرده‌اند که زمینه‌ساز سوء تفاهم یا تبلیغات نادرست علیه اسلام شده است. از این رو، تبیین دیدگاه اسلام با تمرکز کانون بحث به فقه شیعه، اهمیت فراوان دارد.

ادعای ما این است که تولید و به‌کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی از دیدگاه اسلام، نه تنها توصیه نمی‌شود، محکوم، ممنوع و حرام شرعی است. البته تمام یا غالب ادله، ناظر به منع استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی است؛ اما روشن است که تولید سلاحی که به‌کارگیری آن حرام است و باعث تضييع بيت‌المال و بی‌اعتباری حکومت اسلامی و بدبینی به امت اسلامی می‌شود، مشمول همان ادله و احکام خواهد بود؛ اما ادله شواهد و مستندات فقهی و حقوقی ما در این نظریه امور ذیل است:

۱. امنیت از نیازهای اولیه زندگی اجتماعی: برخورداری از امنیت از نیازهای اولیه و از آرمان‌های دیرین بشری است. کابوس وحشتناک ترس ناشی از تجاوز، ظلم و تهدید و ارباب، همواره عامل ناگواری، رکود و ناامیدی انسان در زندگی جمعی بوده است. رهایی از این کابوس و احساس امنیت در برابر عواملی که آرامش زندگی و حقوق فرد و جامعه را به مخاطره می‌افکنند و زندگی و آزادی و آسایش انسان را مورد تهدید قرار می‌دهد است، هم وظیفه نخستین و غیرقابل انکار همه حکومت‌ها خواه دینی و خواه سکولار است و هم نیازمند تلاش جمعی همه ملت‌ها و یکایک ابناء بشر است؛ زیرا امنیت حالتی نیست که با فعالیت فردی و یا یک‌جانبه تحقق پذیرد؛ بلکه در این راه، همکاری افراد برای تأمین امنیت ملی و مشارکت همگانی در تأمین امنیت جهانی اجتناب‌ناپذیر است. غیر از تجاوز و ستمگری، تولید و تکثیر و مسابقه سلاح‌های میکروبی و هسته‌ای و ترور یا ایجاد رعب و وحشت از عوامل مهم تهدیدکننده امنیت در سطح بین‌المللی است. از این رو، مقابله با همه عوامل سلب امنیت در هر شکل و قالبی که باشد - از جمله سلاح‌های کشتار - مسئولیت همگانی است؛ زیرا اینکه بی‌شک همه عوامل تهدیدکننده امنیت از مصادیق (منکر) یعنی زشتی و پلیدی و ضدازش است و مقابله با آن، مصادق نهی از منکر و زمینه تحقق (معروف) خواهد بود.

۲. به مثابه تروریسم هسته‌ای: به نظر ما، استفاده از سلاح‌های هسته‌ای به لحاظ آن که ایجاد هراس و وحشت می‌کند، لااقل به لحاظ حکمی نوعی تروریسم است. برخی فقیهان

شیعه با نزدیک دانستن معنای تروریسم با تهدید و ارباب، معتقدند ترور عبارت است از: «هر نوع عملی که به منظور اهداف غیرانسانی و در جهت فساد، و متضمن به خطر افکندن امنیت و ایجاد زمینه تعرض و محدودیت در مورد حقوق مشروع بشری و موجب سلب آرامش گردد».^۵

گفتنی است تهدید و ارباب به این معنا می‌تواند در قالب‌های مختلف نمود پیدا کند؛ از جمله در شکل تولید سلاح‌های مخوف هسته‌ای، میکروبی، استراتژی‌های جنون‌آمیزی چون جنگ ستارگان، پیمان‌های نظامی،^۶ ایجاد رژیم‌های بی‌ریشه و سرکوبگر مانند رژیم غاصب اسرائیل که نه تنها منطقه خاورمیانه، بلکه سراسر جهان از فتنه و فساد آن در امان نیست؛ فاجعه «قانا» در لبنان، «دیر یاسین»، «صبرا» و «شتیلا» در فلسطین جلوه‌های بارز اقدامات تروریستی است که متأسفانه با سکوت یا رضایت و بلکه حمایت دولت‌های غربی مدعی مبارزه با تروریسم، جهان را تا حد یک جنگ تمام‌عیار در مقیاس جنگ جهانی مورد تهدید قرار دادند. آنها با اشغال و تجاوز به حاکمیت سرزمینی عراق و افغانستان، به نام مبارزه با تروریست‌هایی که مانند طالبان و صدام مزدور خود آنها بودند، آسایش و امنیت را و حتی از مردمان خود آن کشورها سلب کرد و می‌کنند.

ملاحظه می‌شود که استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی در عوامل ذیل با تروریسم مشترک است:

الف) مهم‌ترین عنصر تروریسم، سلب امنیت و آسایش است که آن را تا حد بزرگ‌ترین جنایت برای بشریت خطرناک می‌سازد؛

ب) انگیزه آن مقاصد غیرانسانی و ضد بشری است که معمولاً عاملان تهدید و ارباب را به انجام جنایاتی علیه بشریت وامی‌دارد؛^۷

ج) اقدام خشونت‌آمیز و به کارگیری سلاح یا تهدید به آن؛

د) غیرقانونی بودن و هنجارشکنی اقدامات تروریستی؛

ه) مهم‌تر از همه اینکه، قربانیان در هر دو مورد، غیرنظامیان و افراد بی‌گناه هستند.

۳. جهاد اسلامی مغایر با کشتار جمعی: به دلایل مختلف، از جمله تبلیغات سوء دشمنان اسلام و نیز عملکرد نادرست برخی اسلام‌نمایان (مانند طالبان و گروه‌های تروریستی وهابیت که یک مذهب و مسلک ساختگی و مورد تأیید و حمایت انگلیسی‌ها و

امریکایی‌ها است)، آموزه‌های نورانی اسلام دربارهٔ دفاع از خود (جهاد دفاعی) و دفاع از حقوق اساسی بشر (جهاد دعوت)، احیاناً مستمسک توجیه اقدامات تروریستی و کشتار افراد بی‌گناه و بمب‌گذاری، عملیات انتحاری و ایجاد ترس و وحشت در بین مردم قلمداد می‌شود و این برخلاف روح شریعت اسلامی است.

اقدامات نظامی و جنگ در اسلام؛ در جهاد دفاعی یا جهاد دعوت متبلور است و در هیچ‌یک از این موارد، به کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی نه تنها جایز نیست، شرعاً حرام است؛ زیرا در جهاد دعوت که برای گسترش آزادی‌های دینی و رفع استبداد است، هدف عمده و اساسی به حکم قرآن کریم مبارزه با سران فتنه و مستبد، یعنی حاکمان و سران ستمگر است که مانع دعوت مردم به تعالیم انبیا و شنیدن کلام حق و پذیرش آزادانهٔ دین حق می‌شوند. (توبه: ۱۲)

نوع دیگر جهاد برای دفاع از خود (دفاع مشروع) یا از دیگری (امت اسلامی یا مسلمان مظلوم و یا مستضعفان معروف به جهاد آزادی‌بخش) است؛ اما همان‌طور که مفسران و فقیهان با استناد به قرآن به درستی یادآور شده‌اند، دفاع مشروع نیز حد و مرز دارد و اگر بیش از اندازهٔ دفاع باشد، تجاوز از دفاع مشروع است؛^۸ چنان‌که خدای متعال می‌فرماید: «وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا...» (بقره: ۱۹)؛ یعنی حتی با همان کسانی نیز که با شما نبرد می‌کنند، نباید در مقام دفاع و مقابله، به بیش از اندازهٔ دفاع اقدام کرد؛ تجاوز حتی به دشمن نیز ناصواب و نارواست، جز آنچه به منظور پیشگیری از تجاوز باشد که آن هم اقدامی با ماهیت دفاعی است، نه تجاوزگری.^۹ بر همین اساس، تعرض به غیرنظامیان و کشتار کسانی که نه حاکم ستمگر هستند و نه در میدان نبرد علیه مسلمانان، معنا و مبنای منطقی و شرعی ندارد؛ بلکه شدیداً مورد نهی و حرمت است.

۴. اصل تفکیک در اسلام: در میدان نبرد، با توجه به اصل تفکیک، کشتار غیررزمندگان شامل کشاورزان، تاجران، بازرگانان، پیمانکاران، اطفال، زنان، نابینایان، معلولان، راهبان و صومعه‌نشینان و همچنین رعایت اصل محدودیت در سه بعد زمانی، یعنی تحریم آغازگری جنگ در ماه‌های حرام (به مدت ۴ ماه) و مکانی (اماکن محترم اعم از مسجدالحرام، اماکن مقدس دیگر حتی کنیسه‌ها و کلیساها) و محدودیت در شیوه که هم می‌گوید مسلمان مجاز نیستند با هر وسیله ممکن، دشمن را از پای درآورند، هر چند که اقدامات دشمن خلاف کرامت انسانی باشد.

الف) برخورد با غیرنظامیان

یکی از مسائلی که بیانگر انگیزه و هدف جنگ است، نحوه برخورد با غیرنظامی‌ها و مردم بی‌دفاع می‌باشد. در اندیشه یهودیان: یهودیان مدعی فلسطین، از قول خدای ملی خویش «یهوه» می‌نویسند: «وقتی به شهری وارد شدید، فراموش نکنید که باید ساکنین آن را با لبه تیغ به قتل رسانید؛ آن‌ها را ریشه کن نمایید؛ خون‌شان را هدر دهید؛ هر چه در آن جا یافتید نابود کنید و حتی حیوانات را هم زنده نگذارید».^{۱۰} البته این اندیشه منحصر به یهودیان نیست و روس‌ها نیز در اندیشه و عمل پیرو این تفکرند: «روس‌ها ... نه تنها انسان، بلکه هر موجود زنده را که ببینند، از آتش مسلسل و راکت هلی‌کوپترهای آنها در امان نیستند؛ چهارپایان را با شلیک مسلسل می‌کشند؛ زیرا این چهارپایان مورد استفاده مبارزه مسلمان قرار دارند».^{۱۱}

در اندیشه اسلامی، با توجه به اینکه در اسلام مبارزه در راه خدا و برای خداست و هدف و انگیزه دفاع از حق، استقرار نظام اسلامی، پاسداری از آن و ... است، هیچ مبارز مسلمانی نمی‌تواند کوچک‌ترین ظلم و ستمی به افراد غیرنظامی انجام دهد؛ همچنان‌که نمی‌توان ظلم و بی‌عدالتی را وسیله‌ای برای رسیدن به پیروزی قرار داد؛ امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «کسی که با توسل به گناه پیروز شود، پیروز نیست و کسی که با ستم غلبه کند، در واقع مغلوب است».

ب) مصونیت پیران، کودکان، زنان، دیوانگان

بنابر آنچه گذشت، از جمله نمونه‌های احترام اسلام به ارزش‌های انسانی، مصونیت گروه‌های مزبور در جنگ است. لشکر اسلام در جنگ حق ندارد متعرض پیران، کودکان، زنان و دیوانگان شود. در روایتی آمده است، از جمله توصیه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله در هنگام اعزام نیرو به جبهه این بوده است که فرمانده آن را فرا می‌خواند و می‌فرمود: «به نام خدا، برای خدا، در راه خدا و به روش رسول خدا صلی الله علیه و آله بروید؛ مکر و حيله نکنید؛ خیانت نکنید؛ مثله نکنید؛ درختی را قطع نکنید؛ مگر آنکه ناچار شوید. پیران فرتوت بچه و زن (که کاری در جنگ از آنها ساخته نیست) را نکشید...»^{۱۲} در روایت دیگری، امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علت معافیت زنان و کودکان از پرداخت جزیه را ممانعت از کشتن آنان حتی در دارالحرب و منطقه جنگی می‌داند.^{۱۳}

وقتی رسول اعظم ﷺ از کشتن زنان و کودکان در منطقه جنگی (دارالحراب) نهی می‌کند، چگونه می‌توان تصور کرد که شریعت او استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی را مجاز بدانند؟!

در حدیث دیگری آمده است پیامبر ﷺ در یکی از جنگ‌ها جنازه زنی را دید؛ بسیار متأثر شد و گفت چرا او را کشتید؟ او که سزاوار کشتن نبود.^{۱۴} امیرالمؤمنین ؓ نیز در این مورد می‌فرماید: «زنان را با آزار دادن تحریک نکنید؛ هر چند آبروی شما را بریزند یا امیران شما را دشنام دهند، که آنان در نیروی بدنی و روانی و اندیشه کم توانند».^{۱۵} مرحوم شهید اول می‌گوید قتل کودکان زنان و دیوانگان، هر چند به کفار در حال جنگ کمک رسانند، جز در موارد ناچاری جایز نیست. ایشان در بیان موارد ضرورت و ناچاری می‌گوید:

هر گاه کفار کودکان، زنان و ... به عنوان سپر قرار دهد و پیروزی بر آنها متوقف بر قتل کودکان، زنان و ... باشد، کشتن آنها جایز است؛ ایشان در مورد پیر می‌فرماید قتل آنها جایز نیست؛ مگر اینکه به واسطه رأی و نظر کفار را یاری نمایند.^{۱۶}

۵. ممنوعیت استفاده از مواد سمی در جنگ و ارسال آب و آتش: از موارد دیگری که در شریعت اسلامی از آن نهی شده، استفاده از مواد سمی در جنگ است. همچنین به‌کارگیری سلاح‌های جنگی یا مواد سمی و میکروبی، سوزاندن دشمن چه در حال حیات و چه پس از مرگ، قطع اشجار و ایجاد حریق در کشتزارها و قطع آب آشامیدنی ممنوع است.^{۱۷} پس ممکن نیست با اقدامات بی‌منطق کشتار جمعی موافقت داشته باشد.

اسلام با رعایت اصل تعدی نکردن از حدود الهی و رعایت شرایط جهاد، حدود یا محدودیتی برای بهره‌برداری از جنگ افزارها قائل نیست. نظر اسلام در مراعات موارد انسان‌دوستانه و چشم داشتن به قواعد خیرخواهانه، آن‌قدر گسترده است که بی‌شک استفاده از جنگ‌افزارهایی را که مغایر با اصول و اساس مقررات و آیین کارزار اسلامی باشد، منع می‌کند؛ ولی اینکه مجاهدان باید از چه نوع جنگ‌افزار معینی استفاده کنند، چیزی بیان نمی‌کند. معلوم است که مثلاً استفاده از بمب‌های خوشه‌ای، بمب‌های شیمیایی و هرگونه مهماتی که به طبیعت منطقه جنگ و غیرجنگجویان و حتی حیوانات و جنبندگان آن ناحیه آسیبی برساند و دارای آثار و عواقب ناخوشایند بعدی باشد، از نظر شریعت اسلام حرام است.

در ادامه به چند روایت از منابع روایی شیعه اشاره می‌شود:

الف) امام صادق علیه السلام به نقل از امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله نهی کرده است که سم در بلاد مشرکین استعمال شود.^{۱۸}

ب) عن ابی عبدالله علیه السلام قال: إن النبی صلی الله علیه و آله کان اذا بعث امیر اله علی سریه امره بتقوی الله عزوجل فی خاصه نفسه ثم فی اصحابه عامه ثم یقول: اغز بسم الله و فی سبیل الله، قاتلوا من کفر بالله، لا تغدروا و لا تغلوا تمثلوا و لا تقتلوا ولیدا و لا متبتلا فی شاهر، و لا تحرقوا النخل، و لا تغرقوه بالماء، و لا تقطعوا شجره مثمره، و لا تحرقوا زرعاً.^{۱۹}

دینی که از بریدن درختان و تخریب کشتزارها و محیط زیست جلوگیری می‌کند و یا اجازه نمی‌دهد جنازه دشمن قطعه قطعه شود چون یک کار غیراخلاقی است، چگونه اجازه می‌دهد زن و مرد و بچه و افراد پیر و سالخورده و ناتوان و بی‌گناه و بی‌سلاح یکجا نابود شوند؟!.

۶. دعوت اسلام به صلح و امنیت: اسلام دین صلح و امنیت است (اعراف: ۱۹۸-۱۹۹) و پیامبر او رحمت برای تمام جهانیان بود (انبیاء: ۱۰۷) و گسترش اسلام و وفاداری به اسلام، تا حد زیادی مرهون اخلاق نرم و پراز گذشت و اغماض و مهربانانه رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. (آل عمران: ۱۵۹) اسلام نه تروریسم و عملیات کشتار جمعی را قبول دارد و نه به هیچ‌کس اجازه چنین عملیاتی می‌دهد. به عبارت دیگر، در اسلام، عملیات کشتار جمعی با مشخصاتی که بیان شد، نه تنها مورد تأیید نیست، یک جرم بزرگ و از گناهان کبیره‌ای است که در دنیا و آخرت مجازات شدیدی برای آن تعیین شده است. پس اسلام با استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی مقابله می‌کند؛ بر خلاف مکاتبی که در یک رویکرد یک‌سویانه - آنجا که علیه آنها یا منافع نامشروع آنان باشد - این اقدامات را محکوم می‌کنند، برای میل به اهداف و منافع خود و به بهانه‌های واهی یا دکتترین‌های خودساخته به‌جای خلع سلاح، به مسابقه تسلیحاتی و انبارکردن زرادخانه‌های خود از این سلاح‌های مرگبار و ویرانگر و وحشتناک روی می‌آورند.

اسلام هیچ‌گانه نپذیرفته و حتی راضی هم نبوده است که فرد بی‌گناهی کشته شود. اسلام دین حقیقت است و هم اصل دعوت الهی به امنیت و سلامتی است: «وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى دَارِ السَّلَامِ» (یونس: ۲۵)؛ آن‌هم امنیت جاوید و سلامت ابد: «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ

فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ» (رعد: ۲۴) همچنين نحوه دعوت الهی با روش معروف و منطقی و به نیکوترین شیوه است: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...» (نحل: ۱۲۵) در روابط بین‌المللی اسلام نیز اصل همزیستی مسالمت‌آمیز حکمفرماست؛ چنانچه خدای متعال فرمود: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ». (ممتحنه: ۸) پس نه تنها به ستیز با کفاری که در دین با ما مبارزه نمی‌کنند و یا مسلمانان را از سرزمین خود آواره نمی‌کنند، دستور نمی‌دهد، ما را از نیکی کردن به آنان و حتی به عدالت رفتار کردن با آنان منع نمی‌کند. این پیشدستی دین اسلام در زمان اوج اقتدار است تا از کفاری که در اقلیت بودند بخواهد بر اساس توحید و کلمه واحد جمع شوند: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ». (آل عمران: ۶۴)

از دیدگاه اسلام، امنیت بالاترین نویدی است که به جامعه برین در راه ایمان و عمل صالح داده می‌شود و نیز بالاترین سطح ارتقا و تعالی بشر است: «وَ كَيْدًا لَهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَثْمًا» (نور: ۵۵) تأمین امنیت عمومی برای همه شهروندان، خواه مسلمان یا غیرمسلمان، از وظایف اولیه همه حکومت‌هاست و چنانچه برای یکی از شهروندان حکومت اسلامی حتی اگر یهودی یا مسیحی باشد، به نحوی نامنی ایجاد شود، رهبر عالی و فرمانده کل قوا آن قدر ناراحت می‌شود که می‌گوید که اگر من علی یا هر انسان آزاده دیگر این خبر را بشنود و از تأسف جان دهد، جا دارد.^{۲۰}

مسلمانان در روی زمین مؤظف به حفظ امنیت جان، مال، ناموس، شرافت، عقل و ایمان یکایک بشر هستند و کسی نمی‌تواند از راه نامشروع، به امنیت آنان تعرض کند. اسلام حتی در زمان جنگ نیز جان مردمی رت که به مقابله برخواسته‌اند (زنان، مردان، پیران، کودکان، عابدان و عبادتگاه‌ها و...) حفظ کرده و تعرض به آنان را روا نمی‌دارد.^{۲۱} از جمله راه‌کارهای اسلام برای حفظ کرامت انسان، مبارزه با عوامل نامنی و سلب آسایش اوست. در فقه اسلامی، واژه سلاح‌های کشتار جمعی یا هسته‌ای و بیولوژیکی وجود ندارد؛ اما آموزه‌هایی در شریعت اسلامی وجود دارد که بیانگر نفی مشروعیت تولید و به کارگیری و حتی مبارزه با آنهاست.

در اسلام، مسئولیت مقابله با تهدید و ارباب یک وظیفه واجب کفایی و همگانی است که باید همه در برابر عوامل تهدید و ارباب بایستند و از مظلوم دفاع کنند و خصم ظالم

باشند.^{۲۲} سخن طلایی و مشهور امام علی علیه السلام به حسن و حسین علیهم السلام که بر تارک عالم می درخشد «کونا للظالم خصما و للمظلوم عونا»^{۲۳} دلیل روشنی بر اهمیت تهدیدزدایی از جامعه بشری است؛ زیرا در سخن آن حضرت، «ستمگر و ستمدیده» به طور مطلق آمده است و این خط مشی کلی در سیاست علوی است که «همواره دشمن ظالم و یاور و پشتیبان مظلوم باشید» و مفهوم آن این است که حتی اگر ظالم، مسلمان و مظلوم و بی گناه از اسلام باشد. در هر حال، وظیفه مسلمان ایستادن در کنار مظلوم و یاری او علیه ستمگر است.

خاموش کردن فتنه یکی از اهداف دفاع مشروع جهاد اسلامی است و فتنه بنا بر برخی تفاسیر، به معنای تهدید و ارعاب می باشد. از این رو، تأکید قرآن کریم بر «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً» (بقره: ۱۹۳)، بدین معناست که بجنگید تا ریشه ارعاب و تهدید از جهان کنده شود.

۷. حق حیات بنیادی ترین حقوق بشری: چگونه اسلام می تواند با کشتن انسان های بی گناه و عملیات کشتار جمعی که منجر به قتل نفس نه یک نفر بلکه شمار فراوانی از انسان ها می شود، موافق باشد و یا به آن رضایت دهد؛ در حالی که پروردگار متعال با صراحت می فرماید:

هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل نفس (به قصد قصاص) یا فساد در زمین (به قصد مجازات مفسد فی الارض) بکشد، چنان است که گویی همه انسان ها را کشته است و هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد (او را زنده کند) چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است. (مائده: ۳۲)

در این آیه، موارد مشروع قتل دو مورد شمرده شده است: الف) از روی قصاص ب) ایجاد فساد در زمین؛ و ترور، که سلب امنیت و آسایش از مردم به انگیزه های سیاسی و خشونت غیرقانونی است خود، فساد فی الارض است، نه مقابله با فساد و خونریزی.

چگونه اسلام می تواند با عملیات کشتار جمعی موافق باشد، در حالی که امیرالمومنین علیه السلام در سفارش به مأموران جمع آوری زکات فرمودند: «هیچ چهارپایی را رم نده و نترسان».^{۲۴} وقتی ترساندن و ایجاد وحشت برای حیوانات در حد رم دادن آنان جایز نباشد، قطعاً به دلالت اولویت ترساندن و ارعاب انسان ها و کشتار جمعی از انسان های بی گناه، مخالف دستور ایشان و نارواست.

۸. انگیزه‌های والای جهاد و رعایت قوانین انسانی: مکتب اسلام رعایت قواعد انسانی را در جهاد الزامی ساخته است؛ زیرا در اسلام، جهاد برای نمایش قدرت نیست. جهاد به منظور اعمال فشار سیاسی و به کار گرفتن زور و نیروی فیزیکی در القای عقیده و ایدئولوژی نمی‌باشد. غایت جهاد، زورمندی، سلطه‌گری، استبداد، استثمار و استعمار نیست؛ بلکه جهاد در نهایت امر برای رهنمون ساختن انسان به راه راست، هدایت او به انتفاع عقلایی از حیات و طبیعت و بهره‌وری از مواهب الهی، تنظیم برادری و برابری در جامعه، رشد دادن به آدمیت او و کمال بخشیدن به شئون او است. به همین دلیل رابطه فرمانده با افسر و سرباز، در ارتش اسلامی، رابطه‌ای در کمال آسودگی و آسایش و در نهایت نظم و وفاداری و همراهی است. هدف چنین ارتشی، نمی‌تواند جز خیر عموم و سعادت کل بشری باشد.

کینه و ستیزه، دشمنی شخصی و گروهی و اغراض غیرالهی از گستره آموزه‌های مکتب اسلام بیرون است. حضرت علی علیه السلام نیز که مظهر تمام و کمال اخلاق و سیرت اسلامی است، بارها رعایت قواعد انسانی را در جهاد یادآور شده است و قضایای متعددی در تاریخ زندگی ایشان روی داده است که و به دست او حل و فصل می‌شد. «اسلام دینی مبتنی بر عقیده است» و «آیین ایمان و عقیده است» و فقط در مقابل ستمگرانی که با برهان و استدلال قانع نشده و به راه عناد و لجاج رفته‌اند، استفاده از شمشیر و اسلحه را مجاز دانسته است. به همین دلیل، حتی در جنگ نیز رعایت قواعد بشردوستانه را الزامی ساخته است که از جمله آن‌ها می‌توان به چند نمونه ذیل اشاره کرد:

قواعد بشردوستانه؛

ممنوعیت به غل و زنجیر کشیدن افراد چه در جنگ و چه در صلح؛

تحریم کشتن پیران و از کارافتادگان و کسی که شروع به جنگ نکرده است.

ممانعت از کشتن از روی گمان یا تهمت؛

نامشروع بودن مجازات قبل از ارتکاب جرم؛^{۲۵}

انحصار اهداف تعرضی فقط به جنگجویان و هدف‌های استراتژیک؛

جایز نبودن تاکتیک‌های تخریبی و انهدامی جز در موارد ضروری؛

ناروا بودن بریدن درخت‌ها و انداختن آتش و یا مسلط کردن آب بر دشمن؛^{۲۶}

زهرآلود کردن یا ریختن سم و مواد شیمیایی به آبشخورها؛^{۲۷}
 ناروا بودن کشتن دیوانگان و زنان و اطفال کفار، اگرچه به دشمن کمک کرده باشند؛^{۲۸}
 ناروا بودن مثله کردن دشمن و گوش و حلق و بینی و اعضای ایشان را بریدن؛^{۲۹}
 ناروا بودن پی کردن حیوانات اهلی و دام‌های دشمن؛^{۳۰}
 ناروا بودن منهدم کردن اموال دشمن، مگر در ضرورت.^{۳۱}

در حالی که در جهان آنروز، نه پایبندی به حقوق جنگ ضمانتی داشت و نه حقوق بشردوستانه در عمل یا نظر جایگاه و اعتبار خاصی؛ همچنانکه «والتر جونز» در خصوص شیوه‌های گوناگون و سابقه تاریخی جنگ شیمیایی می‌نویسد:

جنگ شیمیایی شامل چندین روش برای استفاده از مواد شیمیایی جهت مسموم نمودن، سوزاندن، کورکردن، به خطر انداختن و در مجموع از میان بردن توان رزمی نیروهای دشمن است. استفاده از مواد شیمیایی در جنگ سابقه طولانی و شنیدنی دارد. اولین مورد ثبت شده از به کارگیری مواد شیمیایی در جنگ، ریختن رشه نوعی ثعلب سمی توسط یکی از قانونگذاران آتن در مخزن آب ارتش «کرها» در سال ۶۰۰ پیش از میلاد بود که موجبات شکست این ارتش را فراهم ساخت. در حالی که دشمن تلاش می‌کرد با بیماری اسهال که سربازان دچار آن شده بودند مقابله کند نیروهای آتن فاتحانه وارد شهر شدند. از جمله روش‌های دیگر که در دوران باستان رواج داشت باقی گذاشتن شراب‌های مسموم در اردوگاه تخلیه شده، پرتاب مارهای زهرآگین به داخل کشتی‌های دشمن و زهرآلود کردن پیکان‌ها و چاه‌های آب را می‌توان نام برد. یونانی‌ها در سال ۳۵۰ میلادی برای اولین بار از یک وسیله ابتدایی مسموم به شعله «افکن یونانی» استفاده کردند. استفاده از دود برای استتار نقل و انتقال نیرو و مانورهای دریایی از زمان‌های قدیم رواج داشته است.^{۳۲}

استفاده از مواد شیمیایی در دوران معاصر نه تنها خاتمه نیافت بلکه به شیوه مدرن و مرگبارتر و بی رحمانه تری ادامه و گسترش یافت؛ همچنانکه «والتر جونز» می‌گوید:

مواد شیمیایی در جنگ‌های قرن بیستم نیز کاربرد داشته‌اند. نارنجک‌های حاوی گاز اشک‌آور برای اولین بار در جنگ جهانی اول توسط فرانسوی‌ها بکار گرفته شد و آلمان‌ها نیز با استفاده گسترده از گاز مرگبار کلرین (که در جنگ داخلی آمریکا توسط ارتش فدرال ابداع لکن مورد استفاده قرار نگرفت) به مقابله پرداختند. آمریکا در خلال جنگ جهانی اول یک هنگ مجهز به سلاح‌های شیمیایی وارد میدان نبرد کرد و این واحد ویژه تنها در یک نبرد ۲۰۰۰ گلوله حاوی گازهای سمی به سوی دشمن پرتاب نمود. در ۱۹۳۶ ایتالیا برای فتح اتیوپی نیروهای پابره‌نه حبشه را با فروریختن بمب‌های حاوی گاز خردل توسط

هوایما از تحرک بازداشت. در خلال جنگ جهانی دوم آمریکایی‌ها در نبرد علیه ژاپنی‌ها با وارد کردن بمب‌های ناپالم - نوعی بنزین جامد که شعله آنرا نمی‌توان خاموش کرد و می‌تواند نیروهای دشمن را به آتش بکشد - به میدان کارزار، سطح استفاده از مواد آتشناس در جنگ را ترقی داد. در جنگ ویتنام نیروهای آمریکایی با استفاده از همین شیوه به آتش کشیدن جنگل‌ها را تجربه کردند.

در پایان جنگ جهانی دوم و شکست آلمان، اسناد سری مربوط به گاز کشنده «سارین» به دست آمریکایی‌ها افتاد و روس‌ها نیز یک کارخانه تولید گاز سمی «تابون» را به غنیمت گرفتند.^{۳۳}

آثار زیانبار مواد شیمیایی دهشتناک و فراتر از تصور انسان است. این بیانگر آن است که جامعه انسانی در همه سطوح خود اعم از شهر یا کشور یا جامعه جهانی علاوه بر علم بلکه بیشتر و مقدم بر آن نیاز به اخلاق انسانی و تربیت دینی دارد. بنا به گفته "والتر جونز":

یک قطره از هر یک از دو گاز سمی «سارین» و «تابون» در صورت نفوذ به بدن انسان از طریق پوست، مرگ به دنبال خواهد داشت. تماس با این دو گاز سمی عوارضی چون اسهال، استفراق، کوفتگی، اختلال تنفسی به همراه داشته و ظرف چند لحظه موجب هلاکت می‌شود. این مواد بویژه در نبردهای محلی برای از میان بردن نفرات دشمن بسیار مؤثراند. کاربرد این دو گاز کشنده همچون گازهای همچون گازهای سمی دیگر در میدان نبرد بخاطر احتمال تغییر جهت باد و مسمومیت نیروهای خودی با محدودیت‌هایی همراه است. نوع تازه‌ای از گازهای غیر کشنده که مواد سلب‌کننده توان رزمی، نامیده می‌شوند برای فلج کردن موقت، نابینا ساختن، ایجاد سرگیجه و بی‌حسی طراحی شده‌اند. مواد شیمیایی روان‌گردان نیز نوع خاصی از ترکیبات شیمیایی هستند که اثرات روانی همچون هذیان‌گویی، سردرگمی، جنون، توهم، خودباختگی، سرگیجه و رفتار جنون‌آمیز دیگر به همراه دارند. ژنرال ویلیام کریس افسر ارشد پیشین شیمیایی ارتش آمریکا بر این عقیده است که آینده جنگ احتمالاً به مواد شیمیایی - روانی بستگی دارد.^{۳۴}

برخلاف شعارها و حتی برخلاف نص صریح معاهدات بین‌المللی خلع سلاح یا منع اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی، ابرقدرت‌ها و دارندگان حق و توه در یک رقابت نزدیک به هم و تحت عنوان دکترین بازدارندگی یا دکترین توازن قدرت یا دکترین موازنه وحشت به تولید و آزمایش و بکارگیری این سلاح‌ها ادامه می‌دهند و احتمال نمی‌رود این گونه مواد از زرادخانه سلاح‌های متعارف قدرت‌های بزرگ برچیده شوند.

"به رغم این گونه مباحث نظری، شوروی و آمریکا در سال ۱۹۸۹ تحت فشارهای شدید

افکار عمومی و ملاحظات مربوط به محیط زیست و در راستای فرونشاندن شدید بحران میان ابرقدرت‌ها، کاهش ذخایر تسلیحات شیمیایی خود را آغاز کردند. با وجود این رواج سلاح‌های شیمیایی در میان کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای و جهان سوم همچنان نگران‌کننده می‌باشد.

جنگ بیولوژیک یا میکروبی نیز وحشت خاص خود را به همراه دارد. در این نوع جنگ، از موادی که عفونت ایجاد می‌کنند استفاده می‌شود. در این گونه از جنگ‌ها بیماری‌ها از طریق انتشار باکتری و میکروب‌های ویروسی یا به کارگیری سموم اورگانیک عمده‌متشر می‌شوند.

استفاده از سلاح‌های شیمیایی در خلال دوران پس از جنگ جهانی دوم نادر بوده و هم‌موردی از کاربرد سلاح‌های میکروبی وجود نداشته است. نگرانی جهانی از گسترش سلاح‌های هسته‌ای و سلاح‌های پیشرفته متعارف (غیر هسته‌ای) به جهان سوم، با وحشت از دستابی حکومت‌های جهان سوم یا تروریست‌ها به سلاح‌های دیگر همراه بوده است.^{۳۵}

۹. پایبندی به تعهدات بین‌المللی: یکی از راه‌های موثر در مقابله با اقدامات کشتار جمعی، مشارکت در معاهدات بین‌المللی و التزام وفاداری بدان‌هاست. یکی از اصول حاکم در روابط بین‌المللی اسلام «وفاداری به تعهدات» است که به مقتضای «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده: ۱) و «المومنون عند شروطهم»،^{۳۶} در اعتبار معاهدات بین‌المللی از دیدگاه اسلام، جای تردید نمی‌ماند؛ جز آنکه پیمان نامشروع باشد و یا حاکم اسلامی برای انعقاد آن فاقد مشروعیت بوده است. با توجه به آنچه گذشت، اسلام، پیشگام مبارزه با خشونت‌های غیرقانونی و اقدامات ضدبشری و کشتار جمعی بوده است. نکات ذیل در این زمینه شایان توجه است:

الف) اصل وفای به عهد

قرارداد یک نوع تعهد الزام‌آور است که در اسلام و همه نظام‌های حقوقی و اخلاقی پذیرفته شده است. وفای به عهد، اساس بنای همه روابط مسالمت‌آمیز است؛ حتی برای جنگ نیز مقرراتی وضع می‌شود که با عنوان حقوق جنگ یا حقوق بشردوستانه بین‌المللی در قالب کنوانسیون‌های بین‌المللی و معاهداتی مورد تأیید قرار می‌گیرد. به اطلاق حکم و شمول آن نسبت به همه پیمان‌ها و قراردادها که با تعبیر گوناگون از قبیل عقد، عهد، میثاق در آیات آمده است، توجه کنید:

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده: ۱).
۲. «وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (اسراء: ۳۴).
۳. «وَالْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» (بقره: ۱۷۷).
۴. «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (مومنون: ۸؛ معارج: ۳۲).
۵. «فَإِنْ تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وِلِيَاءَ وَلَا نَصِيرًا؛ إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ» (نساء: ۸۹-۹۰).
۶. «بَلَى مَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ وَاتَّقَى فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» (آل عمران: ۷۶).

ب) نکوهش شدید از پیمان شکنی

در آیات و روایات، نقض پیمان بدترین کارها به شمار آمده است:

«الَّذِينَ عَاهَدتْ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ؛ فِيمَا تَثَقَّفَتْهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرَّدْ بِهِمْ مَنْ خَلَفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَذْكُرُونَ» (انفال: ۵۶).

«كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَفَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» (توبه: ۷).

قضیه ابوجندل: در صلح حدیبیه، قراردادی بین مشرکان و پیامبر ﷺ امضاء شد که یکی از موارد آن این بود: «اگر یکی از افراد قریش بدون اذن بزرگتر خود از مکه فرار کند و اسلام آورد و به مسلمانان بپیوندد محمد ﷺ باید او را به سوی قریش بازگرداند؛ ولی اگر فردی از مسلمانان به سوی قریش بگریزد، قریش موظف نیست او را به مسلمانان تحویل بدهد».

در همین حال که حضرت و طرف مقابل «سهیل» مشغول نوشتن قرارداد بودند، ناگهان «ابوجندل» فرزند سهیل در حالی که زنجیر به پای داشت وارد جلسه شد. همین که دیدگان «سهیل» به فرزند خویش افتاد، بی اندازه ناراحت شد و از شدت خشم برخاست و سیلی محکمی به صورت وی نواخت. سپس رو به پیامبر کرد و گفت: این نخستین فرد است که باید به حکم ماده دوم پیمان، به مکه باز گردد. پیامبر او را تصدیق کرد. در این حالت «سهیل» فرزندش «ابوجندل» را کشان کشان به طرف قریش می برد؛ در حالی که او با صدای بلند فریاد می زد: ای مسلمانان آیا اجازه می دهید مرا به مشرکان برگردانده تا از دینم دست

بردارم؟! پیامبر بزرگوار اسلام برای دلجویی از این مسلمان اسیر چنین گفت: «ای ابو جندل! شکیبایی را پیشه خود ساز و برای خدا صبر کن و بدان که خداوند برای تو و دیگر گرفتاران راه، فرجی باز می‌کند؛ همانا ما قراردادی با قریش امضا کرده و خدا را پشتوانه آن قرار داده‌ایم و ما هر گونه خیانت روا نمی‌داریم».^{۳۷}

قضیه ابوبصیر: فرار یکی از مسلمانان اهل مکه به مدینه و بازداشت وی در آنجا و الحاق به مسلمانان پس از صلح حدیبیه که منجر به ننگارش نامه‌ای از سوی قریشیان به رسول خدا ﷺ و درخواست تحویل ابوبصیر طبق قرارداد صلح حدیبیه شد؛ رسول خدا ﷺ با فراخواندن ابوبصیر به وی فرمود: تو خود می‌دانی که ما صلحی با قریش کرده‌ایم و قراری بسته‌ایم؛ شایسته نیست خیانت و عهدشکنی کنم. اکنون برخیز و به سوی مکه روان شو. بدان که خداوند متعال برای تو و سایر مسلمانان مکه راه فرجی باز خواهد کرد. ابوبصیر با فریاد گفت: یا رسول الله! آیا مرا نزد کافران برمی‌گرداندی تا از دینم به در کنند. حضرت رسول ﷺ فرمود برگرد. خدا کسانی و راه‌گشایی برای شما فراهم خواهد کرد. ابوبصیر، بنابه درخواست پیامبر ﷺ بپا خواست و با قاصدان قریش به مکه رفت.^{۳۸}

وفاداری به پیمان در سیره امیر مؤمنان ﷺ نیز به وضوح دیده می‌شود. در داستان «حکمت»، بعد از آنکه اکثریت لشکر خواستار حکمت شدند و ابوموسی اشعری را به عنوان حکم انتخاب کردند، حضرت شدیداً مخالفت کرد؛ ولی متأسفانه نصایح و مواعظ حضرت تأثیر نبخشید و علی ﷺ مجبور به پذیرش حکمت شد. بعد از آنکه قرارداد بسته شد، فهمیدند که اشتباه کردند و گفتند ما اشتباه کردیم، حال باز گشتیم و توبه کردیم. تو هم برگرد و توبه کن! حضرت امیر مؤمنان علی ﷺ فرمود: «وَ یَحْکُمُ أَبَعْدَ الرِّضَا وَ المِثَاقِ وَ العَهْدِ أَرْجَعُ أَوْلَیْسَ اللهُ تَعَالَى قَالَ: أَوْفُوا بِالْعَهْدِ وَ قَالَ وَ أَوْفُوا بِعَهْدِ اللهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَ لَا تَنْقُضُوا الْإِيمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَ قَدْ جَعَلْتُمْ اللهُ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا».^{۳۹}

تأکید فراوان بر این نکته از آن روست که بر خلاف مسیحیان که خود را شرعاً مجاز می‌پنداشتند به آسانی تعهداتی که در برابر مسلمانان پذیرفته بودند، نادیده بگیرند - و وفا به عهد از نظر آنان اصلی بود که فقط برای یک مسیحی در برابر مسیحی دیگر لازم شمرده می‌شد - و وفا به عهد از اصول کلی حقوق اسلام و از اصول فراایمانی است که به بهانه

مصلحت‌های جزئی و نوپدید، نظام اسلامی آن را نقض نمی‌کند؛ چنان‌که امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید:

و ان عقدت بینک و بین عدوک عقدهً او البسته منک ذمه فحط عهدک بالوفاء، و اراع ذمتک بالامانه، واجعل نفسک جنهً دون ما اعطیت فانه لیس من فرائض الله شیء الناس اشد علیه اجتماعاً مع تفرق أهواهم و ت شتت آرائهم من تعظیم الوفاء بالعهود، و قد لزم ذلک المشرکون فیما بینهم دون المسلمین لما استولوا من عواقب الغدر، فلاتعذرن بذمتک، ولاتخیسن بعهدک، و لاتختلن عدوک، فانه لا یجتزیء علی الله الا جاهل شقی. و قد جعل الله عهدہ و ذمته أماناً، افضاہ بین العباد و برحمته و حریماً یسکنون الی منعه و یتفیضون الی جوارہ.^{۴۱}

بر همین اساس، مفسر بزرگ قرآن مرحوم علامه طباطبایی رحمته الله علیه می‌نویسد:

انسان هیچ‌گاه از عقد قرارداد در طول تاریخ بی‌نیاز نبوده است. اگر هر یک از دو طرف قرارداد بخواهند بنا بر رأی خود، آن را نقض کنند، اول چیزی که زیر سؤال می‌رود و به شکلی نقض می‌شود، «عدل اجتماعی» خواهد بود. این رکن رکن در صورتی می‌تواند نیازهای اجتماعی بشر را تأمین نماید که همه به آن متعهد و معتقد باشند. اسلام حتی اگر حفظ عهد و پیمان به ضرر مسلمان‌ها تمام شود، آن را لازم و ضروری می‌پندارد؛ چرا که عدل اجتماعی نفعی عام دارد و واجب‌تر از منافع خاص و مقطعی تلقی می‌شود.^{۴۲}

ج) غدر

غدر یکی از عناوین مجرمانه در جنگ، و عبارت است از مکر و حيله‌ای که در جنگ به‌کار می‌برند؛ بدین شکل که به افرادی از دشمن امان می‌دادند تا وارد قلمروشان شوند، پس آنها را غافلگیر کرده و به قتل می‌رسانند. شاید بتوان گفت غدر، ترور در میدان جنگ است؛ همان‌طور که فقیه بزرگوار معروف به صاحب جواهر می‌گوید:

غدر به کفار جایز نیست، این گونه که پس از امان دادن آنان را به قتل برسانیم.^{۴۳}

ایشان در علت ناروایی آن، افزون بر برخی روایات، شبیه آنچه در مسئله «فتک» وارد شده است، به قبح ذاتی و عقلی این کار اشاره و طبق قاعده ملازمه، قبح شرعی آن را استنباط کرده‌اند.^{۴۴} امام باقر علیه السلام فرمودند: «هیچ‌کس نیست که به دیگری (دشمن) امان دهد و سپس او را بکشد، مگر آنکه روز قیامت پرچم نیرنگ حمل می‌کند».^{۴۵}

گفتنی است غدر در ردیف خیانت به عهد و پیمان و کشتن ناجوانمردانه و چیزی غیر از حيله‌های جنگی و تاکتیک‌های نظامی است که در حالت اعلام وضعیت جنگی صورت می‌گیرد و شیوه‌ای عقلایی برای غلبه بر دشمن است. بنابراین، کشورهای اسلامی اولاً به

حکم شرع موظف به رعایت حقوق بشردوستانه و اجتناب از تولید و تکثیر و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی هستند؛ ثانیاً به مقتضای شرکت در معاهدات بین‌المللی، به حکم عقل، شرع و تعهدات بین‌المللی، پایبند به این قواعد فطری و انسانی هستند.

۱۰. عدالت ورزی و عدالت‌خواهی: چه‌بسا گفته شود با وجود این مقررات شرعی، چه تضمینی وجود دارد که جمهوری اسلامی یا دیگر کشورها در مقام عمل بدان پایبند باشند و مخفیانه به بهانه مصلحت نظام خود، به فکر تولید و سپس به کارگیری از آن نباشند؟! پاسخ آن است که بهترین تضمین حقوقی و واقعی، عدالت‌محوری در اسلام، به‌ویژه در اندیشه شیعی است. در ابواب مختلف فقهی از جمله در کتاب **الجهاد** یکی از شرایط مهم وجوب جهاد را به فرماندهی و رهبری امام و پیشوای عادل می‌داند و با صراحت، جهاد با امام غیرعادل را نه تنها واجب نمی‌داند، تحریم همه می‌کند. چنان‌که شیخ حر عاملی در **وسائل الشیعه** در کتاب **الجهاد** بحثی را با عنوان «باب اشتراط وجوب الجهاد بأمر الامام و إذنه و تحریم الجهاد مع غیر الامام العادل» اختصاص می‌دهد.^{۴۶}

بر اساس اندیشه شیعی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی بازتاب یافته است، در رأس هرم قدرت نظام اسلامی، ولی فقیه عادل قرار دارد. این بدان معناست که چنانچه فرمانده میدان جنگ و جهاد یا رهبری در نظام اسلامی به آموزه‌های مذکور عمل نکرد و برخلاف تحریم شرعی، درصدد تولید سلاح کشتار جمعی و استفاده از آن برآید، از مقام و منصب مزبور، خودبه‌خود و با اعلام مجلس خبرگان رهبری عزل می‌شود؛ زیرا عادل کسی است که مقررات شرعی را رعایت می‌کند، و این بهترین پشتوانه و ضمانت اجرایی برای این معاهدات و موازین بین‌المللی است.

1. *Article 1.* All human beings are born free and equal in dignity and rights.
2. *Article 3.* Everyone has the right to life, liberty and security of person.
۳. انقلاب ایران، اسلامی بوده و یکی از شعارها و خواسته‌های مردم از دوران مبارزه، اسلامی بودن نظام بوده است. پس از پیروزی انقلاب مردم نیز با اکثریت قریب به اتفاق، نوع حکومت ایران را «جمهوری اسلامی» تعیین کردند. «جمهوریت» مربوط به شکل حکومت بوده و «اسلامیت» محتوای آن را تشکیل می‌دهد، در قانون اساسی اصل دوم آمده است.
۴. برخی از اصول قانون اساسی به این مسأله مهم اختصاص داده شده که از جمله این اصول، اصل چهارم قانون اساسی است.
- از این رو در جمهوری اسلامی ایران، نباید قانون یا مقررات خلاف شرع وضع و اجرا شود. اصل اسلامی بودن شامل مصوبات مجلس شورای اسلامی (اصل ۷۲)، مصوبات قوه مجریه (۸۵) و مصوبات شوراهای (اصل ۱۰۵) می‌گردد. بنابراین در جمهوری اسلامی ایران نهادهای قانونگذار یا تصمیم‌گیرنده، مجاز نیستند که بر خلاف موازین شرعی و احکام نورانی اسلام، قانونی وضع نموده و تصمیمی اتخاذ نمایند.
۵. عباسعلی عمید زنجانی، *فقه سیاسی*، ج ۳، ص ۴۲۶.
۶. همان، ص ۴۲۶-۴۲۷.
۷. همان.
۸. همان.
۹. ر.ک: سیدابراهیم حسینی، *اصل منع توسل به زور و موارد استثناء آن در اسلام و حقوق بین الملل معاصر*، ص ۱۸۵ و ۲۰۵ - ۲۰۶.
۱۰. اکرم زعیترا، *سرگذشت فلسطین*، ترجمه علی اکبر هاشمی رفسنجانی، ص ۱۷.
۱۱. شیخ حر عاملی، *وسایل الشیعه*، ج ۱۱، ص ۴۳.
۱۲. همان، باب ۱۵، حدیث ۲، ص ۴۳.
۱۳. همان، باب ۱۷، حدیث ۱، ص ۴۷-۴۸.
۱۴. سیداحمد خاتمی، *ابعاد جنگ در فرهنگ اسلام*، ص ۹۹.
۱۵. *نهج البلاغه*، ترجمه محمد دشتی، نامه ۱۴، ص ۴۹۴.
۱۶. شهید ثانی، *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، ج ۲، ص ۲۹۳، (کتاب الجهاد).
۱۷. سیدمصطفی محقق داماد، «تدوین حقوق بشر دوستانه بین المللی و مفهوم اسلامی آن»، *تحقیقات حقوقی*، ش ۱۸، ص ۱۹۰.
۱۸. شیخ حر عاملی، *وسایل الشیعه*، ج ۱۱، باب ۱۶، ص ۴۶.
۱۹. همان، حدیث ۳، ص ۴۳ و ۴۴.
۲۰. *نهج البلاغه*، نامه ۴۷، ص ۶۹ - ۷۰.

۲۱. سیدمصطفی محقق داماد، همان.
۲۲. عباسعلی عمید زنجانی، همان، ص ۴۲۸.
۲۳. نهج البلاغه، نامه ۴۷؛ ص ۴۲۱
۲۴. نهج البلاغه، نامه ۲۵، ص ۵۰۴.
۲۵. سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۴، ص ۲۷۸ - ۲۷۷.
۲۶. در محاصره بنی‌النصیر مدینه که مدتی به درازا کشید حضرت امر به سوزاندن نخلستان آنان داد، آیات ۳ و ۴ و ۵ سورة حشر در این باره نازل شده است.
۲۷. ر.ک: رشید احمد، اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی، ترجمه سیدحسین سیدی؛ شیخ در النهایه می‌گوید: قتل کفار به هر نوع و وسیله جایز است مگر با سم (حسن بن یوسف بن مطهر، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۱؛ ص ۱۵۵؛ میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲؛ ص ۲۴۹).
۲۸. میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۴۹؛ محقق حلی، شرایع الاسلام، ج ۱، ص ۱۱۲ - ۱۱۳.
۲۹. جعفر بن الحسن حلی، شرایع الاسلام، ص ۱۱۳.
۳۰. همان، ج ۱، ص ۱۱۳ - ۱۱۲.
۳۱. همان، ص ۲۰۳.
۳۲. جونز والتر، منطق روابط بین‌الملل، ترجمه داود حیدری، ص ۱۸۸ - ۱۸۹.
۳۳. همان، ص ۱۹۰.
۳۴. همان، ص ۱۹۱ - ۱۹۲.
۳۵. همان، ص ۱۹۳ - ۱۹۵.
۳۶. شیخ طوسی، المبسوط، ج ۷، ص ۳۷۱.
۳۷. ر.ک: ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۳۳۲ - ۳۳۳.
۳۸. همان.
۳۹. ر.ک: سیداحمد خاتمی، ابعاد جنگ در فرهنگ اسلام.
۴۰. رشید احمد، اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی، ترجمه سیدی ص ۹۰ - ۹۸.
۴۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳ (بند ۱۳۵ به بعد)
۴۲. سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان، ص ۱۶۸ - ۱۶۹.
۴۳. محمدحسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۲۱، ص ۷۸.
۴۴. همان.
۴۵. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳ ص ۹۶۹ حدیث ۴۹۴۳.
۴۶. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱؛ ص ۳۲ به بعد.

منابع

- نهج البلاغه، تنظیم صبحی صالح، ط.الخامسه، تهران، منشورات دارالهجره، ۱۴۱۲ق.
- ابن هشام، عبدالملک، السیره النبویه، بیروت: دار القلم، بی تا.
- جبعی عاملی، زین الدین بن علی، الروضه البهیة فی شرح اللعنة الدمشقیة، ج ۲، ط.ثالثه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ق.
- حرّ عاملی، محمدبن حسن، وسایل الشیعه، ط.الثانیه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- حسینی، سیدابراهیم، اصل منع توسل به زور و موارد استثناء آن در اسلام و حقوق بین الملل معاصر، قم، معارف، ۱۳۸۲.
- حلی نجم الدین ابوالقاسم جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی مسایل الحلال و الحرام، قم، دارالهدی للطباعة و النشر، ۱۴۰۳ق.
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، بی تا.
- خاتمی، سیداحمد، ابعاد جنگ در فرهنگ اسلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۰.
- رشید، احمد، اسلام و حقوق بین الملل عمومی، ترجمه سیدحسین سیدی، تهران، مرکز مطالعات عالی بین المللی دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.
- زعیتیر، اکرم، سرگذشت فلسطین یا کارنامه سیاه استعمار، ترجمه علی اکبر هاشمی رفسنجانی، قم، چاپخانه حکمت، ۱۳۵۶.
- صدوق، محمدبن علی، من لایحضره الفقیه، چ سوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، میزان، چ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.
- طوسی، ابو جعفر محمدبن الحسن، المسوط فی فقه الامامیه، چ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، چ سوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷.
- گری، ابوالقاسم، آیات الاحکام (حقوقی و جزایی)، چ سوم، تهران، میزان، ۱۳۸۵.
- محقق داماد، سیدمصطفی، «تدوین حقوق بشر دوستانه بین المللی و مفهوم اسلامی آن»، تحقیقات حقوقی، ش ۱۸، تابستان ۱۳۷۵.
- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ط.السابعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسة آل البیت، ۱۴۰۸ق.
- والتر، جونز، منطق روابط بین الملل، ترجمه داود حیدری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۳.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی